

«آرایه سجع»

سجع دو کلمه هستند که یا حرف یا حروف آخر یکی می‌باشد (شکست دست) یا هم‌وزن می‌باشند (سلام - کتاب) یا هم هم‌وزن می‌باشند و هم حرف یا حروف آخر یکی (بدایت - نهایت)

جایگاه سجع:

سجع در آخر دو جمله می‌آید اگر آخر دو جمله کلمات یکسان باشند ماقبل آن ذکر می‌شود.

مثال صیاد بی روزی ماهی در دجله نگیرد و ماهی بی اجل در خشک نمیرد

- ذوالفقار علی در نیام و زبان سعدی در کام

- به نام آن خدای که نام او راحت روح است و پیغام او مفتاح فتوح است

از این آرایه فوشم اومر زیار فکر درگیر نمی‌کنه فیلی سوال میار دیگه؟

نه یانم فیلی هم کم سوال می‌آید به دلت صابون نزن

* تذکر: گاهی اوقات به جمله کامل ذکر می‌شود و جمله‌ی دیگه از آخر کلماتی حذف می‌شود.

مثال همه کس را عقل به کمال نماید و فرزند به جمال

جمله دوم کلمه‌ی «نماید» از آخر حذف شده است.

* تذکر: گاهی اوقات سجع در آخر دو جمله ذکر می‌شود یا در آخر دو عبارت هر که به طاعت از دیگران کم است و به نعمت بیش، به صورت توانگر است و به معنی درویش که هر کدام از کلمات سجع در آخر دو جمله ذکر شده است البته در چنین حالاتی دو جمله اول از لحاظ ساختار ظاهری کامل نیست یعنی وقتی می‌گوییم: هر که به طاعت از دیگر کم است و به نعمت بیش شنونده منتظر ادامه‌ی جمله می‌باشد.

می‌فواهم به سوال فیلی علمی بیرسم؟ سجع می‌تونه تو شعر هم بیار؟

آفرین دمت گرم - آره منتهی هر یا که قافیه میانی باشه سجع هم است.

قافیه میانی: شاعر کلمه‌ای در وسط مصرع اول و دوم ذکر می‌کند که کلمات پایان همون مصرع یکسانه.

مثال در هنگام تنگدستی در عیش کوش و مستی کاین کیهان هستی قارون کند گدا را

قافیه میانی = سجع

- آمد موج الست کشتی قالب ببست

باز چو کشتی شکست نوبت وقت لفاست

قافیه میانی = سجع

- ای صاحب کرامت شکرانه‌ی سلامت

روزی تفقدی کن درویش بی‌نوا را

قافیه میانی = سجع

زیرنویس:

سجع به سه دسته تقسیم می‌شود: الف) سجع مُطَرَف ب) سجع متوازن ج) سجع متوازی

الف) سجع مُطَرَف آن است که دو کلمه در حرف یا حروف آخر یکسان می‌باشند ولی هم‌وزن نیستند مثل: شکست - دست

ب) سجع متوازن آن است که دو کلمه هم‌وزن می‌باشند ولی در حروف یا حرف آخر یکسان نیستند (بالعکس سجع مُطَرَف) کتاب - سلام

ج) سجع متوازی آن است که دو کلمه هم هم‌وزن می‌باشد و هم در حرف یا حروف آخر یکسان هستند.

* تذکر: به سجع‌های پشت سر هم سجع متواتر می‌گویند یعنی چند جمله پشت سر هم ذکر می‌شوند.

به نام آن خدای که نام او راحت روح است فتوح است مجروح است

موضوع نوزدهم < ترصیع

آرایه‌ی سجع و موازنه هر دو بچهی سجع هستند با این تفاوت که در ترصیع تمام کلمات دو مصرع (یا دو جمله)

هم هم‌وزن می‌باشند و هم در حرف یا حروف آخر یکسان هستند (یعنی دوبه‌دو با هم سجع موازی می‌باشند)

مثال هم حرکاتش متناسب هم

هم خطواتش متقارب به هم

برگ بی برگی بود ما را نوال

مرگ بی مرگی بود ما را حلال

بقیه کلمه‌ها پی؟ اونها را کنار کنیم؟

با کلمات عین هم در دو مصرع کاری نداریم

موضوع بیستم < موازنه

موازنه تمام کلمات دو مصرع (دو جمله) هم‌وزن می‌باشند بدون آن که در حرف یا حروف آخر یکسان باشند (یعنی سجع متوازن می‌باشند)

مثال چرخ از چه رفیع خاک پایت / عقل از چه بزرگ طفل راحت

● تذکر: در آرایه موازنه می‌تونه بعضی کلمات فقط هم‌وزن باشند بعضی کلمات هم هم‌وزن هم در حرف یا حروف آخر (یعنی ترکیبی از سجع متوازی و متوازن)
یعنی آمیخته شدن ترصیع و موازنه را موازنه می‌گویند.

مثال زشت باید دید و انگارید خوب

زهر باید خورد و انگارید قند = موازنه

مثال جبریل مقیم آستانت

افلاک حریم بارگاهت

از ترصیع و موازنه هم سوال می‌یاد؟

نه پندران، معمولاً در تست‌های آمیخته یا ترکیبی سوال می‌یاد ولی در رشته‌ی انسانی خیلی بیشتر.

فیلی باکلاس جواب می‌دی؟ یعنی طوری که می‌شه گفت فشگی

من آفرش نفهمیدم که با تو باید بطور حرف زد

تحصیل با ما

سوالات چهار گزینه‌ای طلایی

۱- در کدام بیت، آرایه‌ی «موازنه» به کار رفته است؟

- | | |
|------------------------------------|-----------------------------|
| ۱) ای چرخ کبود ژنده دل‌قی | در گردن پیر خانقاهت |
| ۲) ای درون پرور برون آرای | وی خردبخش بی‌خرد بخشای |
| ۳) تو را صبا و مرا آب دیده شد غماز | وگرنه عاشق و معشوق رازدارند |
| ۴) هم عقل دوپسده در رکابت | هم شرع خزیده در پناهت |

۲- در همهی گزینه‌ها به جز گزینه‌ی آرایه‌ی «سجع» به کار رفته است.

- ۱) این جا قبول حیرت است بلکه هنگام رشک و غیرت.
- ۲) جان در گلشن عشرت داشت و دل در آتش حسرت گذاشت.
- ۳) سایه‌ی خود را در کوی یار، رخصت بار نتوان داد.
- ۴) یک دم که از عمر خود شمارم نفسی به کام دل برآرم.

۳- در جمله‌های اول و دوم همه گزینه‌ها به جز آرایه‌ی «سجع» به کار رفته است.

- ۱) تنی چند متفق سیاحت بودند و شریک رنج و راحت.
- ۲) خواستم تا مرافقت کنم، موافقت نکردند.
- ۳) از آن تاریخ ترک صحبت گفتیم و طریق عزلت گرفتیم.
- ۴) گمان فضولش نبردند و به یاری قبولش کردند.

۴- در همهی گزینه‌ها به جز آرایه‌ی «سجع» به کار رفته است.

- ۱) از اندوه برون نیاید که آماج تیر بلائید.
- ۲) با آنان بستیزید که رستگاریتان در آن است.
- ۳) چه جای ملامت است که در دیده‌ی من شایسته کرامت است.
- ۴) جرعه‌ی اندوه به کامم می‌ریزند و کار را به هم درآمیزند.

۵- در همهی گزینه‌ها به جز آرایه‌ی «ترصیع» به کار رفته است.

- | | |
|---------------------------------|-----------------------------|
| ۱) نه گردن‌کشان را بگیرد به غور | نه عذراوران را براند به جور |
| ۲) لعنه الله این عمل را در قفا | رحمه الله آن عمل را در وفا |
| ۳) قدرت کردگار می‌بینم | حالت روزگار می‌بینم |
| ۴) پرورش آموز درون پروران | روز برآرنده‌ی روزی خوران |

۶- در کدام گزینه صنعت لفظی «سجع» به کار نرفته است؟

- ۱) اندک‌اندک خیلی شود و قطره‌قطره سیلی
- ۲) این دلق موسی است مرقع و آن ریش فرعون مرصع
- ۳) چون به نفس خود هنری ندارد، با خاک برابر است.
- ۴) قیمت شکر نه از نی است که آن خاصیت وی است.

۷- در کدام گزینه، آرایه «ترصیع» یافت می‌شود؟

- (۱) مبدع هر چشمه که جودیش هست
 (۲) سدره‌نشینان سوی او پر ززند
 (۳) نسخ کن این آیت ایام را
 (۴) خاطرش از معرفت آباد کن
- مخترع هرچه وجودیش هست
 عرش روان نیز همین در ززند
 مسخ کن این صورت اجرام را
 گردنش از دام غم آزاد کن

۸- در کدام بیت، آرایه «موازنه» موجود نیست؟

- (۱) ای چرخ کبود ژنده دلقی
 (۲) چرخ ارچه رفیع خاک پایت
 (۳) غلام نرگس مست تو تاجدارانند
 (۴) دل به امید روی او همدم جان نمی‌شود
- در گردن پیر خانقاهت
 عقل ارچه بزرگ طفل راهت
 خراب باده لعل تو هوشیارانند
 جان به هوای کوی او خدمت تن نمی‌کند

۹- با توجه به عبارت زیر، دو کلمه هر گزینه به‌جز گزینه‌ی دارای آرایه «سجع» است.
 «فلان عزم کرده است و نیت جزم که بقیت عمر معتکف نشیند و خاموشی گزیند. تو نیز اگر توانی سر خویش گیر و راه مجانبت پیش.»

- (۱) عزم - جزم
 (۲) توانی - خاموشی
 (۳) نشیند - گزیند
 (۴) پیش - خویش

۱۰- در همه‌ی گزینه‌ها، به‌جز گزینه‌ی آرایه «سجع» مشهود است.

- (۱) صیاد بی‌روزی، ماهی در دجله نگیرد و ماهی بی‌اجل، در خشک نمیرد.
 (۲) نصیحت پادشاهان کردن، کسی را مسلم بود که بیم سر ندارد یا امید زر.
 (۳) با چندین فضیلت که دست راست را هست، خاتم در انگشت چپ می‌کنند.
 (۴) ارادت بی‌چون، یکی را از تخت پادشاهی فروآرد و دیگری را در شکم ماهی، نکو دارد.

۱۱- در همه‌ی گزینه‌ها، به‌جز گزینه‌ی آرایه «سجع» وجود دارد.

- (۱) از گلستان بقیتی مانده بود که کتاب گلستان تمام شد.
 (۲) بقیت عمر معتکف نشیند خاموشی گزیند.
 (۳) خلاف راه صواب است و نقض رأی اولوالالباب.
 (۴) ذوالفقار علی در نیام و زبان سعدی در کام.

۱۲- در عبارت «به حکم ضرورت سخن گفتیم و تفرج‌کنان بیرون رفتیم در فصل ربیعی که صولت برد آرمیده بود، اوان دولت ورد، رسیده» کلمه «سجع» کدامند؟

- (۱) سخن و بیرون / صولت و دولت
 (۲) صولت و ضرورت / آرمیده و رسیده
 (۳) گفتیم و رفتیم / آرمیده و رسیده
 (۴) گفتیم و رفتیم / بود و رسیده

۱. گزینه «۴»	۶. گزینه «۳»	۱۱. گزینه «۱»
۲. گزینه «۳»	۷. گزینه «۳»	۱۲. گزینه «۳»
۳. گزینه «۲»	۸. گزینه «۱»	
۴. گزینه «۲»	۹. گزینه «۲»	
۵. گزینه «۴»	۱۰. گزینه «۳»	

موضوع بیستم و یکم < واج آرای (نغمه حروف)

آن است که یک حرف (چه صامت چه مصوت) چندین بار (حداقل سه بار) در یک بیت تکرار شود به طوری که بر آهنگ شعر بیفزاید.

مثال خیزید و خز آید که هنگام خزان است باد خنک از جانب خوارزم وزان است

(تکرار حرف «خ-ز»)

سینه خواهم شرحه شرحه از فراق تا بگویم شرح درد اشتیاق

(تکرار حرف «ش»)

* **تذکر:** حروف غالباً حروف صدادار مثل «خ-ش-ز-...» می باشد.

* **تذکر:** واج آرای در کسره (تابع اضافات):

آن است که چند کسره پشت سر هم (حداقل سه کسره) ذکر شود.

مثال خوابِ نوشین بامدادِ رحیل باز دارد پیاده را ز سبیل

* **تذکر:** واج آرای در ضمه هم می تواند ایجاد شود و آن زمانی است که چند حرف «واو» پشت سر هم ذکر شود.

مثال ابرو باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

موضوع بیستم و دوم < تکرار

آن است که یک کلمه چندین بار (حداقل دو بار) در یک بیت تکرار شود و معنایش هم باید یکسان باشد.

مثال از درد سخن گفتن و از درد شنیدن با مردم بی درد ندانی که چه دردی است

(تکرار کلمه درد)

* **تذکر:** فرق تکرار با جناس تام (همسان)

در آرایه تکرار معنا یکسان است اما در جناس تام معنا متفاوت است.

موضوع بیستم و سوم < تصدیر

نوعی تکرار است که دو کلمه تکراری یکی در آغاز بیت، و دیگری در پایان همان بیت تکرار می شود.

مثال آدمی در عالم خاکی نمی آید به دست عالمی دیگر بیاید ساخت و از نو آدمی

کلمه «آدمی» ← تصدیر = تکرار / عالم: تکرار

* **تذکر:** هر تصدیری تکرار است اما عکس مسأله صحیح نیست.

* **تذکر:** در آرایه تصدیر، دو کلمه تکراری می تواند در اوایل یا اواخر بیت باشد.

مثال سر الب ارسلان دیدی ز رفعت رفته بر گردون به مرو آ تا کنون در گل تن الب ارسلان بینی